

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

ادب و زبان فارسی

دوره جدید، شماره ۲۶ (پیاپی ۲۳) زمستان ۸۸

زن از دیدگاه ملک الشعراء بهار و معروف الرصافی*

(علمی - پژوهشی)

دکتر ناصر محسنی نیا

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه داشن

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

در این مقاله دیدگاه ملک الشعراء بهار و معروف الرصافی درباره زن مورد بررسی قرار گرفته است. هر دو شاعر در اشعار خود به زن نگاه ویژه ای دارند. بهار از یک سو و امदार تفکرات سنتی جامعه در مورد زن است و از سوی دیگر، جزء اولین شاعران ایرانی است که مدافع آزادی زنان است و با حجاب مخالفت می کند این در حالی است که رصافی موضع واحدی انتخاب کرده و در اشعارش همواره مدافع آزادی زن و خواستار حضور فعال وی در جامعه است. **واژگان کلیدی:** زن در شعر فارسی، ادبیات معاصر، ادبیات تطبیقی، ملک الشعراء بهار، شعر معروف الرصافی.

مقدمه

ادبیات عصر مشروطه در ایران و عصر نهضت در عرب شباهتهای زیادی به هم دارند و دلیل عمده آن، اوضاع سیاسی- اجتماعی کشورهای عربی و ایران در این زمان است. «در همان دوره ای که ما جنبش مشروطیت و پیکار آزادی خواهی داریم، اعراب نیز با تفاوت وضعیت اجتماعی و محیط های مختلف جغرافیایی همین تلاش را به عنوان

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۸/۱۰/۲۶

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۸/۸/۲۶

نشانی پست الکترونیک نویسنده: N.Mohseninia@yahoo.com

رهایی از قلمرو فرمانروایی عثمانی دارند و این دو جنبش اجتماعی، حاصل ادبی مشابهی نیز عرضه می کنند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۴۰).

یکی از مضمونهایی که شاعران هر دو زبان در این زمان به آن توجه دارند مسئله آزادی و حقوق زن است.

« زن در تاریخ همواره با ظلم و تبعیضهای زیادی از جانب مردان روبه رو بوده است و اگر چه پیشوایان و راهنمایان و اقوام و ملل با پیشرفت تاریخ و بسط تمدن در هر عصر و زمانی خواسته اند از سختی و فشار مرد بر زن بکاهند و تا حدی نیز کاسته اند با این همه زن در بیشتر دوره های تاریخی کمابیش کنیز و اسیر مرد بود» (آرین پور، ۱۳۸۲، ج ۳، ۳).
در ادبیات نیز به تأثر از جامعه، زن فقط نقش معشوق مرد بودن را بر عهده داشته که آن هم معمولاً با صفاتی از قبیل خیانت، بی وفایی، مکر و حيله، خودپسندی و خویشتن آرایایی همراه بوده است.

همزمان با تحولات سیاسی و اجتماعی، که در ایران و سرزمین اعراب رخ داد، نگاه جامعه به زن و به تبع آن نگاه شاعران به این موضوع تغییر کرد و مسائلی مانند آزادی و علم آموزی زنان در اشعار شاعران مطرح شد.

در دوره مشروطه، شاعران جزء اولین گروهی بودند که خواستار رفع حجاب زن و آزادی سیاسی و اجتماعی وی در جامعه شدند. بیشتر شاعران و نویسندگان بنام ایران هر یک مقداری از آثار خود را به موضوع تربیت و آزادی زنان و تساوی حقوق آنان در خانواده و جامعه اختصاص می دادند به طوری که می توان گفت در این اوقات، هیچ شاعر و نویسنده ای نیست که کمابیش به این مطالب نپرداخته باشد (همان، ۱۰).

ملک الشعراء بهار در ادبیات عصر مشروطه و معروف الرصافی، شاعر عراقی در ادبیات عصر نهضت از جایگاه ویژه ای برخوردارند و مضامین اشعار آنها بسیار به هم شباهت دارد. در این مقاله یکی از این مضامین که مسئله زن است مورد بررسی قرار گرفته است. البته قبل از ورود به اصل بحث، لازم است مختصری پیرامون رصافی، زندگی، آثار و جایگاه او در ادب معاصر عرب سخن به میان آید؛ هم چنین دیدگاه کلی رصافی نسبت به زن مورد بررسی قرار گیرد.

مختصری در باره معروف الرصافی

معروف الرصافی (۱۸۷۵-۱۹۴۵) متولد بغداد و پدرش عبدالغنی افندی نژاد کردی داشت (بقاعی، ۱۹۹۴ ص ۲۵) تا سال ۱۹۰۸ میلادی به منظور رفع نیازهای مادی خود، در مدارس ابتدائی بغداد تدریس می کرد (فاخوری، ۱۹۹۸، ص ۴۸۶)

سپس در آستانه در مدرسه ملکی مدرس زبان عربی شد. و با مجله «الارشاد» همکاری می کرد مدتی نمایندگی مجلس مبعوثان در عهد عثمانی را بر عهده داشت و در سال ۱۹۱۸ بعد از پایان جنگ جهانی اول به عراق بازگشت و به کارهای فرهنگی و مناصب اداری مشغول گردید، از سال ۱۹۲۸ به مدت ۸ سال و ۵ دوره نماینده مجلس نواب عراق گردید. و در اوایل جنگ بین الملل دوم، در پی شکست انقلاب رشید عالی گیلانی، به گوشه انزوا خزید، تا اینکه در سال ۱۹۴۵، در بغداد وفات یافت (البدری، ۱۹۵۱، ص ۴۷)

آثار رصافی :

رصافی آثار عدیده ای در شعر، نثر، زبان و ادب عربی از خود برجای نهاده است رسائل التعليقات (۱۹۴۴)، دروس فی آداب اللغة العربیة (۱۹۳۲)، علی باب سجن ابی العلاء (۱۹۴۶)، تمائم التریبة والتعليم، شعر، (۱۹۲۴) و دیوان (۱۹۳۱) از جمله آثار مهم او هستند. دیوان او مشتمل است بر، کونیات، اجتماعیات، اشعار فلسفی، اشعار وصفی، مرثیه ها شعرهای زنانه، اشعار سیاسی، اشعار جنگی (مصطفی علی، ۱۹۵۴، ص ۴۳) عمده شهرت رصافی به اشعار سیاسی و اجتماعی است، گرچه اشعار حکمی و وصفی او هم جایگاه ویژه ای در دیوان او دارند (عزالدین، ۱۹۶۹، ص ۷۷) معروف الرصافی در ادب معاصر عرب عموماً و عراق خصوصاً جایگاه ویژه ای دارد، او با افرادی مانند جمیل صدفی الزهاوی استادش و احمد شوقی برابری می کرد، طه حسین نویسنده نامدار عرب، او را بسیار ستوده است (الواعظ، ۱۹۶۱، ص ۷۹) زن یکی از محورهای مهم در شعر معروف الرصافی است. رصافی عقیده داشت که زن حقیر و مظلوم واقع شده و لازم است از قبود ظلم و ستم رهایی یابد. چون زن یک انسان کامل است و در انسانیت خود چیزی کم ندارد (دیوان الرصافی، ۲۰۰۲، ص ۴۷) به باور رصافی زن زندانی خانه و حجاب است، زن پیوسته در معرض طلاق است بی آنکه دلیل معقولی بر آن وجود داشته باشد (دیوان الرصافی، ۲۰۰۲، ص ۳۷۱)

او میان زن مسلمان امروز و زن قدیم عرب مقایسه ای انجام می دهد و می گوید:
 زن عرب در دوره جاهلی نویسنده و شاعر بود، با مبارزان مرد در جنگها مشارکت
 می نمود جراحات های آنها را درمان می کرد، اگر در دوره جاهلی، جاهلی ها دختران خود
 را زنده به گور می کردند، امروز ما همه زنان خود را پیش از مردن دفن می نمائیم مانع
 کسب دانش و بزرگی آنها می شویم (دیوان الرصافی، ۲۰۰۲ ص ۲۷۱)
 اینها و پاره ای مطالب دیگر، بحث هایی هستند که در این مقاله به آنها پرداخته می شود

دیدگاه بهار

تفکر سنتی

بهار به شیوه رایج در ادبیات، صفاتی را به زنان نسبت می دهد که در ذیل به برخی از
 آنها اشاره خواهیم کرد:

۱- بهار، زنان را دشمن افکار تازه می داند:

می گریزد ز بحث و از تحقیق	هست اعصاب زن لطیف و رقیق
شود از حفظ نظم نیرومند	حس نماید که در رحم فرزند
منکر کار تازه اند زنان	خصم افکار تازه اند زنان
لیک گردد ز فکر تازه کسل	زن به هر چیز تازه بندد دل
نبود سودمند بهر جنین	ترسد این ناآزموده فکر نوین

(بهار، ج ۲، ۸۶۹)

۲- حسود و هوسناک بودن زن:

خوبی غیر را بیان مکنید	پیش زن مدح دیگران مکنید
هم حسود است و هم هوسناک است	زانکه جنس لطیف بی باکست
حسن مرد ار شنید دل سپرد	حسن زن گر شنید رشک برد

(بهار، ج ۲، ۸۷۳)

۳- خودپسند بودن زن:

خودپسند است و خویشتن آراست	زن اگر جاهل است اگر دانا ست
----------------------------	-----------------------------

(بهار، ج ۲، ۹۳۵)

۴- فتنه گری زن:

زن یکی بیش مبرز آنکه بود فتنه و شر فتنه آن به که در اطراف تو کمتر باشد
(بهار، ج ۲، ۹۳۵)

البته بهار، خانه را صدف و زن را گوهر آن می داند:

صدف خانه است و صاحبخانه غواص تو در وی گوهر یکتایی ای زن
تو یکتا گوهری در درج خانه و زان بهتر که گوهر زایی ای زن
(بهار، ج ۲، ۶۷۸)

وی با رویکردی مرد گرایانه، وظیفه زن را پیروی از شوهر می داند. البته به نظر می رسد که این اعتقاد برگرفته از باورهای مذهبی - اسلامی وی باشد:

وان طوبی چیست در جنان دریاب جفتی که بود مطاوع شوهر
(بهار، ج ۲، ۵۳۱)

تواضع را چو خیزی پیش شوهر همایون شاخه طوبایی ای زن
(بهار، ج ۲، ۶۸۰)

وی حتی این حق را برای مردان قائل می شود که اگر زنی از نظر آنان نیکو نباشد از خانه بیرون کنند:

خوش باش، اگر ترا زنی نیکست ورنه نیست نکو، برون کنش از در
(بهار، ج ۱، ۵۳)

نقش تربیتی زن

بهار به نقش تربیتی زنان توجه ویژه ای دارد و اطفال را مانند مومی در دست مادر می داند که توسط وی شخصیت واقعی آنها شکل داده می شود. وی هم چنین تعیین کننده سعادت و شقاوت بشر را تربیت مادران می داند:

سازند ز موم گونه گون پیکر	اطفال به دست مادران مومند
گه کژدم و مار و ناوک و خنجر	گاهی گل و سرو و بلبل و طاوس
گه اهرمنی قبیح و هول آور	گه آدمینی فریشته صورت
آسایش خلد و نعمت آذر	در دامن مادر است پنداری
هستند دو مام خوب و بد گوهر	رضوان بهشت و مالک دوزخ

ز آنرو شقی و سعید امت را

بر این دو حواله داد پیغمبر

(بهار، ج ۱، ۵۳۱)

بهار، اشعاری در مورد پاسداشت حقوق مادر و نقش آنها در تربیت و هم چنین فداکاری مادر برای فرزندان خود دارد که از جمله معروفترین آنها داستان «دل مادر» است. بهار اصل این داستان را از مجمع الامثال اقتباس کرده، و به نظم در آورده است و در پایان آن، فرزند را به حفظ حقوق مادر و نیاززدن قلب او توصیه کرده در مورد عشق مادر نسبت به فرزند چنین می گوید:

ای پسر مادر خود را مآزار	بیش از او هیچ که را دوست مدار
تو چه دانی، که چها در دل اوست	او تو را تا به کجا دارد دوست
نیست از عشق فزونتر مهری	آن که بسته است به موی و چهری
عشق از وصل بکاهد باری	کم شود از غمی و آزاری
لیکن آن مهر که مادر دارد	سایه کی از سر ما بردارد

(همان، ج ۲، ۱۰۰۹)

آزادی زنان

بهار با وجود تفکرات سنتی در مورد زنان، خود یکی از طرفداران سر سخت آزادی زنان، بویژه در بحث رفع حجاب است. وی پیشرفت کشور را در این می بیند که از زنان رفع حجاب شود و مانند بسیاری از روشنفکران دوره مشروطه با دیدن پیشرفت غریبان بخصوص حضور زنان در عرصه های سیاست و اجتماع، علت اصلی عقب ماندگی زنان در کشور ما را، که مانع ترقی زنان و کشور است، پایبندی به حجاب می پندارد:

نشود منقطع از کشور ما این حرکات	تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد
حفظ ناموس ز معجز نتوان خواست بهار	که زن آزادتر اندر پس معجز باشد

(بهار، ج ۱، ۴۶۱)

چادر و روی بند خوب نبود	زن چنان مستمند خوب نبود
جهل اسباب عافیت نشود	زن رو بسته تربیت نشود
کار زن برتر است از این اسباب	هست یکسان حجاب و رفع حجاب

(بهار، ج ۲، ۹۳۴)

و تنها وسیله مفید اصلاح زن را از اخلاق رذیله، آزادی وی می داند:

زن اگر جاهلست اگر داناست	خودپسند است و خویشتن آراست
کار او با جمال و زیباییست	هنر و پیشه اش خود آراییست
گر نخواهی که خویش بنماید	به سر تو که بیش بنماید
باید آزاد سازیش ز قفس	تا فرود آید از هوا و هوس

(بهار، ج ۲، ۹۳۵)

بهار، ملاک خوب بودن زن را در حفظ حجاب از طرف وی نمی داند و معتقد است چه بسا زنان بی عقیده‌ای که به دور از حجاب در جامعه ظاهر می‌شوند و با داشتن شوهرهایی فاسق و فاسد بازهم وفا را ترک نمی‌کنند و شرافت و عزت خود را حفظ می‌نمایند:

زن شناسم به روی همچو نگار	مالک ملک و درهم و دینار
مشربی باز و فکرتی روشن	بی عقیدت به گلخن و گلشن
شوهری زشت و ابله و بد خو	با زنان بلایه هم زانو

...

هست بهرش گشاده راه ورود	منع مفقود و مقتضی موجود
با چنین حال پارسا کیش است	پاسدار شرافت خویش است
ترک عهد وفا نکرده هنوز	دست از پا خطا نکرده هنوز

(بهار، ج ۲، ۹۳۵)

در اشعار بهار، هیچ گونه نشانی از نقش و حضور زن در جامعه نمی‌توان دید و منظور از آزادی زنان، رفع حجاب و پوشش یا آزادی برای کسب علم است و مفاهیم اساسی حقوق زنان از جمله برابری حقوق زن و مرد، حضور فعال زنان در عرصه سیاست و اجتماع - از جمله در مجلس یا در دیگر بخشهای جامعه - نادیده گرفته شده است.

تأکید بر علم آموزی زنان

تا قبل از دوره مشروطه، زنان به صورت رسمی از حق تحصیل محروم بودند؛ بنابراین بهار بر لزوم علم آموختن زنان به دلیل نقش مؤثرشان در تربیت نسل آینده تأکید، و آنان را به فراگیری آن تشویق می‌کند؛ چرا که آنان را اصلی‌ترین مریدان جامعه می‌داند:

سوی علم و هنر بشتاب و کن شکر
که در این دوره والایی ای زن

حجاب شرم و عفت بیشتر کن
 به کار علم و عفت کوش امروز

کنون کآزاد، ره پیمایی ای زن
 که مام مردم فردایی ای زن
 (بهار، ج ۱، ۶۸۰)

آنچه درباره دیدگاه بهار در مورد زن می توان گفت همان است که گاهی او را آن
 قدر پست و حقیر می پندارد که تمام صفات ناپسند را به او نسبت داده و گاهی نیز او را آن
 قدر با ارزش دانسته است که زندگی بدون او معنایی ندارد:

نبودی زندگی گر زن نبودی
 بنای نیک بختی را به گیتی

وجود خلق را مبدایی ای زن
 تو هم معمار و هم بنایی ای زن
 (بهار، ج ۱، ۶۷۹)

وی هم چنین بارها بر ناشناخته ماندن باطن زن و معما گونه بودن آن، تأکید می کند؛ چه
 آنجا که از زن تعریف می کند و چه آنجا که قصدش نشان دادن پستی زنان است:

نعیم زندگی با تو بینم
 معمای جهان حل کردی و باز

همانا نور چشم مایی ای زن
 تو خود اصل معماهایی ای زن
 (بهار، ج ۱، ۶۷۹)

راست خواهی زنان معمایند
 زن بود چو پیاز تو در تو
 نیست زن پایند هیچ اصول
 خویش را صد قلم بزک کردن
 در طبیعت طبیعتی ثانی است
 زن به معنی طبیعتی دگر است
 هنرش جلب مایه و زاد است

پیچ در پیچ ولای بر لایند
 کس ندارد خبر ز باطن او
 بجز از اصل فاعل و مفعول
 غایتش زادن است و پروردن
 کارگاه نتاج انسانی است
 چون طبیعت عنود و کورو کر است
 شغل او امتزاج و ایجاد است
 (بهار، ج ۲، ۹۳۶)

مخالفت با تعدد زوجات

بهار، تعدد زوجات را ظلمی در حق زن شمرده است و بشدت با آن مخالفت می کند و
 آن را سبب به وجود آمدن کینه و حسد و دشمنی در میان کودکان می داند:
 زن یکی، مرد یکی خالق و معبود یکی هر یک از این سه دو شد مهره به ششدر باشد

...

می شوند آلت حرص و حسد و کینه و کذب نسلها چون به یکی خانه دو مادر باشد
 ریشه تربیت و اصل و فضیلت مهر است مهرکی با حسد و کینه برابر باشد
 گر شنیدی که برادر به برادر خصمست یا که خواهر به جهان دشمن خواهر باشد
 علت واقعی آن است که گفتم، ورنه کی برادر به جهان خصم برادر باشد
 (بهار، ج ۱، ۴۶۰)

علت دیگر مخالفت بهار با تعدد زوجات، عدم رعایت عدالت و انصاف بین زنان از سوی مرد است. او این مرتبه را فقط مخصوص پیامبر می داند که دیگران از آن عاجزند:
 زن شیرین به مذاق دل ارباب کمال گرچه قند است نباید که مکرر باشد
 کی توان داد میان دو زن انصاف درست کاین چنین مرتبه مخصوص پیامبر باشد
 (بهار، ج ۱، ۴۶۰)

دیدگاه رصافی

آزادی زنان

زنان عراق تا قبل از دوره معاصر، وضعیتی شبیه زنان ایرانی داشتند و فاقد کمترین حقی برای تحصیل و یا حضور در جامعه بودند. تقریباً همزمان با ایران، که بحث آزادی زنان پیش آمد در عراق نیز این موضوع بحث و جدالهای زیادی را برانگیخت. تعدادی از روشنفکران خواستار رفع حجاب و از بین بردن تمام مظاهر ظلم و ستم و تساوی حقوق زن و مرد بودند و عده بیشتری به مخالفت با این گروه برخاسته، این گروه و کلامشان را خارج از دین تلقی می کردند.

رصافی از گروه اول است که نگاه جدیدی را در مورد زن به جامعه ارائه می کند. وی مانند بهار، خواستار رفع حجاب از زن است و آن را باعث عقب ماندگی زنان می داند:
 ولقومنا فی الشرقِ حالٌ کَلِّما زدت افتکاراً فیهِ زدت تعجُّبا
 ترکوا النساءِ بحالَةٍ یرثی لها وقضوا علیها بالحجاب تعصُّبا
 (رصافی، ۴۷)

- مردم ما در مشرق زمین حال عجیبی دارند؛ هر زمان در این حال بیشتر فکر کنی، بیشتر متعجب می گردی.

- زنان را در وضعی قرار داده اند که گریه آور است و حجاب تعصب را بر سر او انداخته‌اند.

یکی دیگر از مسائلی که رصافی از مظاهر ظلم و ستم بر زنان می‌داند، عدم حق دخالت وی در مورد انتخاب همسر و اجباری بودن ازدواج دختران کم سن و سال با مردانی بزرگسال است. وی در قصیده «حریت الزواج عندنا» آشکارا به این موضوع اعتراض می‌کند:

ظلموکِ أيتها الفتاةُ بجهلهم إذ أمرکوکِ علی الزواجِ بأشيبا
طمعوا بوقر المال منه فأخجلوا بفضول هاتیک المطامع أشعبا

(رصافی، ۴۶)

- ای دختر جوان! به تو ستم کردند؛ چون نادان بودند. پس آن گاه تو را به ازدواج با پیرمردی مجبور کردند.

- آنها طمع مال فراوان او را نمودند؛ پس به دلیل این طمع ورزیها، حریص تر از اشعب شدند.

سپس دختران را به مخالفت با پدران خود در این زمینه دعوت می‌کند و آزادی در انتخاب همسر را حق مسلم آنها می‌داند:

فإذا رقتُ فما عليك برقته عاراً وإن هاج الوئی وأغضبا
إنَّ الكريمة في الزواج لحرة والحر یأبی أن یعیش مذنباً

(رصافی، ۴۶)

- هرگاه ازدواج اجباری را رد کنی، این کار مایه ننگ تو نیست؛ هرچند پدر تو خشمگین گردد.

- بی گمان زن آزاد در ازدواج آزاد است و آزاده از زندگی همراه با تردید و اضطراب دوری می‌کند.

رصافی خواهان حضور فعال زنان در عرصه زندگی اجتماعی است و به صورت صریح با در خانه ماندن زنان و عدم تحرک فعال آنان در جامعه مخالفت می‌کند:

قد انتبذوا عنهن فی العیش جانباً فمهن فی أمر من الخطاء

وَقَدْ زَعَمُوا أَنْ لَسُنَّ يَصْلِحُن فِي الدُّنْيَا لَغَيْرِ قَرَارٍ فِي الْبُيُوتِ وَبَاءِ
(رصافی، ۱۵)

- آنها فقط گوشه‌ای از زندگی زنان را مورد توجه قرار دادند حال اینکه زنان در هیچ کاری بی‌لیاقت نیستند.

- آنها پنداشتند که زنان در دنیا جز برای ماندن در خانه و رفع نیاز صلاحیت ندارند. و به این دلیل است که حضور زن در صحنه نمایش و ورود او را به عرصه تئاتر، عیب یا قبیح نمی‌داند:

وَمَا الْعَارُ أَنْ تَبْدُوا الْفِتَاةَ بِمَسْرَحٍ تَمَثَّلُ حَالِي عِزَّةٍ وَإِبَاءِ
وَلَكِنْ عَارًا أَنْ تَزَيَّا رِجَالَكُمْ عَلَى مَسْرَحِ التَّمَثِيلِ زِيَّ نِسَاءِ
(رصافی، ۱۵)

- حضور باعزت و سالم زنان در صحنه تئاتر و نمایش، مایه ننگ و عیب آنها نیست.
- ننگ و عیب این است که مردان در صحنه نمایش، لباس زنان را بپوشند.
و یادآوری می‌کند که زنان صدر اسلام همواره در کنار مردان حتی در جنگها نیز حضور داشتند:

وَقَدْ كَانَتْ نِسَاءُ الْقَوْمِ قَدَمًا يَرْحُنُ إِلَى الْحُرُوبِ مَعَ الْعُرَاةِ
يَكُنُّ لَهُمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ عَوْنًا وَ يَضْمِدُنِ الْجُرُوحَ السَّامِيَاتِ
كَمْ مِنْهُنَّ أُسْرَتٌ وَ ذَاقَتْ عَذَابَ الْهَمُونَ فِي أُسْرِ الْعِدَاةِ
(رصافی، ۱۳۳)

- در گذشته، زنان عرب با مردان به جنگ می‌رفته‌اند.
- در کنار آنان و در برابر دشمنان ایستاده و زخمها را مرهم می‌نهادند.
- چه بسا زنان زیادی از آنان در این جنگها اسیر شدند و رنج خواری و اسارت را از دشمنان چشیدند.

به این موارد باید این نکته را افزود که رصافی از حقوق تضییع شده زنان و هم چنین مظلومیت آنان در مقابل مردان دفاع می‌کند و سعی دارد آنها را به گرفتن حقوقشان تشویق کند؛ چنانکه در شعر زیر در مورد این مسئله چنین می‌گوید:

ما أهون الأنتى على ذُكراننا
 ضَعُفَتْ فَحَجَّتْهَا الْبِكَاءُ لِحْصَمِهَا
 هِى مُتَعَةٌ الْمُسْتَمْتَعِينَ وَلِيْتِهَا
 فَوَلِيَّتُهَا عِنْدَ الزَّوْجِ بِيْعِهَا
 وَ كَلَاهِمَا مُتَحَكِّمٌ فِي أَمْرِهَا
 فَلَقَدْ شَجَانِي ذُلُّهَا وَ خُضُوعُهَا
 وَسَلَّاحِهَا عِنْدَ الدِّفَاعِ دُمُوعِهَا
 كَانَتْ لِرِزَامًا لَا يَجُوزُ مَبِيعُهَا
 وَ حَلِيلِهَا عِنْدَ الطَّلَاقِ يُضِيعُهَا
 هَذَا يُعْرِيبُهَا وَ ذَاكَ يُجِيعُهَا
 (رصافی، ۴۰۱)

- چقدر زنان در مقابل مردان ما خوارند به گونه ای که ذلت و خواریشان مرا ناراحت می کند.

- زن این قدر ضعیف شده است که در مقابل دشمن خود به گریه پناه می برد و سلاحش در موقع دفاع از خود، اشک اوست.

- کالایی برای کسانی شده است که قصد تلذذ از او دارند و ای کاش فروشش جایز نبود.

- پدرش او را موقع ازدواج می فروشد و شوهرش هنگام طلاق او را تباه می سازد.

- هر دو مقصرند که اولی او را برهنه می سازد و دومی او را گرسنه.

تأکید بر علم آموزی زنان

بیشتر روشنفکران آزاد اندیش جامعه آن روز عرب، علت عقب ماندگی کشورهایشان را در دور نگهداشتن زنان از عرصه علم و دانش جستجو می کردند. آشنایی این قشر با جوامع غربی و فرهنگ حاکم بر آن جوامع، آنان را بر این حقیقت آگاه کرد که زن نیمه دوم بلانماز جامعه انسانی است؛ لذا باید پا به پای مرد در عرصه علم و دانش گام بردارد تا مقصود اصلی، که تکامل جامعه است، حاصل شود. رصافی نیز، که خود را شاعری روشنفکر می دانست به این امر توجه، و زن را عضو اصلی جامعه معرفی کرد و بر لزوم تعلیم و تربیت آن همت گمارد. (حساوی، ۱۳۷۷، ۹۸).

هل یعلمُ الشرقيُّ أنَّ حیاتَهُ
 وَ قَضَى لَهَا بِالْحَقِّ دُونَ تَحَكُّمِ
 فَالشرقيُّ ليس بناهضٍ إلا إذا
 تَعَلَّمُوا إِذَا رَبِّي الْبِنَاتَ وَ هَذَا
 فِيهَا وَ عِلْمُهَا الْعُلُومَ وَ أَدَبًا
 أَدْنَى النِّسَاءِ مِنَ الرِّجَالِ وَقَرَّبًا

(رصافی، ۴۷)

- آیا انسان شرقی می داند رشد حیاتش در تربیت دختران است؟
 - او باید حقوق دختران را بدون تحکم بپذیرد و او را علم بیاموزد.
 - شرق پیشرفت نمی کند مگر اینکه زنان به جایگاه و منزلت مردان نزدیک شوند.
 - وی در ادامه، پیشرفت جامعه را بدون تعلیم و تذهیب زنان، ناممکن می داند:
- فَإِذَا ادَّعَيْتَ تَقْدِمًا لِرِجَالِهِ جَاءَ التَّأَخُّرُ فِي النِّسَاءِ مُكْذَبًا

(رصافی، ۴۷)

- اگر مدعی پیشرفت مردان هستی، بدون پیشرفت زنان، این دروغ است.
- رصافی معتقد است ظلم و ستمی که بر زنان در جامعه اعمال می شود، مخالف با آموزه های دین و شرع اسلام است و هرگز دین، مرد را بر زن برتری نداده است و اسلام مخالف علم آموختن زنان نیست:

وَقَالُوا شَرَعَةُ الْإِسْلَامِ تَقْضِي	بِتَفْضِيلِ الَّذِينَ عَلَى اللُّوَاتِ
وَقَالُوا إِنَّ مَعْنَى الْعِلْمِ شَيْءٌ	تَضْيِقُ بِهِ صُدُورَ الْغَائِيَاتِ
وَقَالُوا الْجَاهِلَاتُ أَعْفَى نَفْسًا	عَنِ الْفَحْشَا مِنَ الْمُتَعَلِّمَاتِ
لَقَدْ كَذَبُوا عَلَى الْإِسْلَامِ كَذِبًا	تَزُولُ الشُّمُّ مِنْهُ مُرْكَزَاتِ
أَلَيْسَ الْعِلْمُ فِي الْإِسْلَامِ فَرَضًا	عَلَى أَبْنَائِهِ، وَعَلَى الْبَنَاتِ؟

(رصافی، ۱۳۲)

- گویند اسلام، مردان را بر زنان برتری داده است.
- گویند علم چیزی است که در سینه و دل زنان جای نمی گیرد.
- گویند زنان بیسواد، نفسی پاک و به دور از فحشا دارند.
- بواقع بر اسلام دروغ بستند؛ دروغی که کوه های بلند از آن می لرزند.
- آیا علم در اسلام بر مرد و زن واجب نیست؟

نقش تربیتی مادران

رصافی نیز مانند بهار به نقش تربیتی زنان توجه دارد و مادران را عنصر اصلی تربیت فرزندان می‌داند و آنها را به مدرسه‌ای تشبیه می‌کند که فرزندان در آن تربیت می‌شوند و معتقد است اخلاق فرزندان بیش از هر کس یا هر عنصر دیگری از اخلاق مادران تأثیر می‌پذیرد:

وَلَمْ أَرِ لِلْخَلِائِقِ مِنْ مَحَلٍّ	يَهْدِيهَا كَحِضْنِ الْأُمّهَاتِ
فَحِضْنُ الْأُمِّ مَدْرَسَةٌ تُسَامِتُ	بِتَرْبِيَةِ الْبَنِينَ أَوْ الْبَنَاتِ
وَأَخْلَاقُ الْوَالِدِ تَقَاسُ حَسَنًا	بِأَخْلَاقِ النِّسَاءِ الْوَالِدَاتِ
وَلَيْسَ رَبِيبٌ عَالِيَةَ الْمَزَايَا	كَمِثْلِ رَبِيبٍ سَافِلَةَ الصِّفَاتِ
وَلَيْسَ النَّبْتُ يَنْبِتُ فِي جِنَانٍ	كَمِثْلِ النَّبْتِ يَنْبِتُ فِي الْفَلَاةِ

(رصافی، ۱۳۱)

- جز آغوش مادران، جایی را شایسته تهذیب اخلاق ندیدم.
- آغوش مادر برای تربیت پسران و دختران مدرسه خوبی است.
- اخلاق فرزندان با اخلاق مادران مقایسه می‌گردد.
- پرورده صفات عالی کجا برابر است با پرورده صفات پست؟
- گیاهی که در بهشت می‌روید مانند گیاهی نیست که در بیابان روید.

نتیجه

هر دو شاعر به زن و مسائل مربوط به حقوق آن، نگاه ویژه دارند. بهار در میان دو تفکر سنتی و مدرن قرار گرفته است؛ از یک سو به پیروی از سنت قدیم شعر بسیاری از صفات ناپسند را به زنان نسبت می‌دهد و به پیروی از عرف جامعه، وظیفه اصلی زن را پیروی از شوهر می‌داند و از سوی دیگر، تحت تأثیر غربیان با حجاب مخالف است و آن را علت اصلی عقب ماندگی زنان می‌داند. هم چنین به دفاع از حقوق زنان پرداخته، تعدد زوجات را ظلمی آشکار در حق زنان به حساب می‌آورد.

رصافی در مورد زن دیدگاه روشنفکرانه تری را انتخاب کرده است. وی علاوه بر اینکه با حجاب مخالف است و بر علم آموزی زنان تأکید فراوان دارد به دفاع از حقوق زنان در مقابل مردان پرداخته و معتقد است در اسلام تفاوتی میان زن و مرد نیست و اسلام، مرد را بر زن برتری نداده است. او نسبت به خواری و ذلت زنان در مقابل آنان و در تضییع

حقوق آنان معترض است یکی از این ظلم و ستمها ازدواج اجباری دختران است. او خواستار آزادی دختران برای انتخاب همسر است و آنها را به مخالفت با پدران خود تحریک می کند.

بهار و رصافی به نقش زنان در تربیت فرزندان توجه کرده به همین علت آموزش و علم آموزی زنان را واجب می دانند.

آزادی زنان در اشعار بهار بیشتر به معنای آزادی در زمینه حجاب و علم آموزی است و از این موضوع فراتر نمی رود حال اینکه رصافی خواستار حضور زن در اجتماع و بیرون آمدن از خانه است.

فهرست منابع

- ۱- آریین پور، یحیی. (۱۳۸۲). *از نیما تا روزگار ما*. ج ۳. چ هشتم. تهران: انتشارات زوآر
- ۲- البدری، سعید. (۱۹۵۱). *آراء الرصافی فی السياسة و الدین و الاجتماع*. بغداد.
- ۳- بدوی، احمد طبانه. (۱۹۴۷). *معروف الرصافی، الطبعة الثانية*. قاهره. مصر: دارالمعارف.
- ۴- بقاعی، ایمان یوسف. (۱۹۹۴). *معروف الرصافی، نازاً أم کلماً*. بیروت: دارالکتب العلمیه .
- ۵- العبطه، محمود. (۱۹۹۳). *معروف الرصافی حیاته و آثاره و موافقه*. بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.
- ۶- بهار، محمد تقی. (۱۳۶۸). *دیوان اشعار*. ج ۲. چ پنجم. تهران: انتشارات توس
- ۷- حصاوی، محمد جواد. (۱۳۷۷). *نقد و تحلیل شعر معروف الرصافی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات. تهران: دانشگاه تربیت مدرس
- ۸- الرصافی، معروف. (۲۰۰۲). *دیوان*. شرح و تعلیق: یحیی شامی. چ اول. بیروت: دارالفکر العربی.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب*. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۰- عزالدین، یوسف. (۱۹۶۶). *شعراء العراق فی القرن العشرين*. بغداد.
- ۱۱- فاخوری، حنا، (۱۳۸۶). *الجامع فی الادب العربی عصر الحدیث*. قم: منشورات ذوی القربی.
- ۱۲- ناجی، هلال. (۱۹۵۹). *القومیة والاشتراکیة فی شعر الرصافی*. قاهره .
- ۱۳- واعظ، رؤوف (۱۹۶۱). *معروف الرصافی صاته رادبه السیاسی قاهره*.